

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

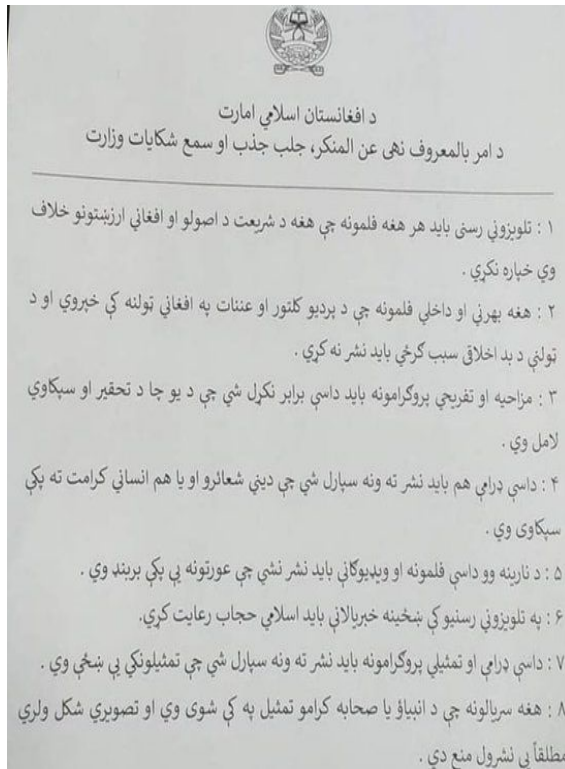
یونس نگاه
۲۳ نومبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

مقررۀ طالبان برای رسانه‌ها

(با ترجمه و تفسیر)



عکس یک مقررۀ هشت ماده‌ئی طالبان برای رسانه‌ها در فیسبوک با تبصره‌های ترسناک دست‌به‌دست می‌شود. من خواندم و آن را یک مقررۀ بسیار پیشرفته یافتم. نظرم این است که شما درست نخوانده‌اید. من این‌جا هر هشت ماده را برای شما ترجمه و تفسیر می‌کنم تا متوجه شوید که چه نکات جالبی در آن نهفته است:

ماده اول (رسانه‌های تلویزیونی، فلم‌هایی را که خلاف اصول شریعت و ارزش‌های افغانی باشند، نشر نکنند).

تفسیر: هیچ حزب سیاسی، دولت و رهبری تاکنون در تاریخ معاصر افغانستان به‌شمول خلقی‌ها نگفته است که فلم‌های مخالف اصول شریعت و ارزش‌های افغانی نشر کنید. طالبان حتی نسبت به حکومت جمهوری اسلامی نرمش نشان داده است. در نظام سابق بر تمام رسانه‌های نوشتاری، صوتی و تصویری محدودیت وضع می‌شد و

می‌گفتند هیچ کدام آن‌ها حق نشر مطالب خلاف اصول شریعت و ارزش‌های افغانی را ندارد. طالبان حکمشان را به تمام رسانه‌های تصویری تعمیم نداده‌اند و فقط از رسانه‌های تلویزیونی سخن گفته‌اند. دیگر این‌که کل جنجال بر سر فروع

شریعت است اصولش اگر همان اصول دین باشد که پنج‌تای بیش نیست. ریش و بروت و لباس خو در اصول شریعت نیستند. ارزش‌های افغانی را نیز از الف تا یا معیار قرار ندادند و فقط بر اصول آن تاکید کرده‌اند. مثلاً اتن، رقص، شادی، میله، خنده، نامزدبازی، عاشقی، دعوا، مارکه، نوات، کشتن، اودرزادگی، دعا، خیرات، همچشمی، کفتربازی، مرغجنگی، شتردوانی، بزکشی، دمبورهنوازی، تمبورنوازی، دهل‌زنی، جشن، پایکوبی و عبادت از اصول ارزش‌های افغانی می‌باشند و اگر این‌ها را از افغانستان دور کنید دیگر هیچ کسی ما را نخواهد شناخت. لُچ و بی‌هویت خواهیم شد. این‌ها و بسیار چیزهای دیگر که فروع ارزش‌های افغانی می‌باشند و طالبان به آن‌ها کاری ندارند، هرکدام کافیست سال‌ها فلم و ویدیو بسازید. طالبان نگفته‌اند که مطابق اصول ارزش‌های افغانی فلم نسازید، گفته است مخالف آن‌ها نسازید.

ماده دوم (هر فلم خارجی و داخلی که سبب ترویج فرهنگ و عنعنات بیگانه در جامعه گردد، باید نشر نشود.)
تفسیر: این هم نو نیست. هیچ دولتی تا حال مدعی نشر فرهنگ بیگانه نبوده است. شما هم عاشق نشر فرهنگ بیگانه نیستید و دوست دارید فرهنگ و عنعنات وطنی خود را حفظ کنید. مثلاً در فرهنگ افغانی ما و شما احترام به بزرگان شرط است. اگر جوان تفنگ به‌دستی به‌روی مرد یا زن بزرگسال سیلی زد، فرهنگ بیگانه را ترویج می‌کند. این جزء اصول فرهنگ ما نیست. در هیچ‌جا افغان‌ها نگفته‌اند که یک پسر موکشالی بی‌سواد نوزده ساله حق دارد پیرمردی را قنداق‌کاری کند. دیگر در فرهنگ افغانی احترام افراطی به زنان در ملاء عام رایج است. حتی اگر زن به‌صورت مرد با سیلی وار کند، مرد مطابق عنعنات افغانی حق ندارد سر او دست بالا کند. در خلوت اما هرچه زنان را اذیت کنید افغان‌تر می‌شوید. تلویزیون‌ها حق ندارند لت‌وکوب زنان، سنگسار و درمکاری آنان را نشر کنند. انتحار، کشتن گروهی افراد بیگانه، ازدواج اجباری، منع درس و تعلیم در فرهنگ افغانی نکوهیده است و ترویج آن باعث از بین رفتن هویت افغانی ما می‌شود. تلویزیون‌ها حق ندارند این چیزها را نشر و تبلیغ کنند. کلتور افغانی در پوشش، گویش، شکل موی، ریش، بروت، چادر، پیکی، چارگل، حنا، سرمه و برگزاری محافل بسیار پرتنوع و رنگارنگ است. در برخی مناطق بروت‌های کج را دوست دارند، در برخی مناطق بروت‌های راست را، در جایی لنگی، در جایی کلاه، در جایی چین و در جایی واسکت را دوست دارند. کسانی موی بلند و کسانی موی کوتاه را دوست دارند. عده‌ای رنگ آبی، کسانی رنگ سرخ، برخی‌ها رنگ آبی و سبز را ترجیح می‌دهند. رنگارنگی و تنوع مهم‌ترین اصل فرهنگ افغانی ماست. شما خوش باشید که طالبان می‌گویند زیبایی‌های فرهنگی کشور خود را حفظ کنید، زیرا این زیبایی‌ها حاصل قرن‌ها تجربه، گزینش و پرورش است. این رنگ‌ها و تنوع مردم ما را با طبیعت، آب‌وهوا، سوابق و تاریخ ویژه‌شان پیوند می‌دهد و زندگی را برای‌شان دل‌پذیر و معنادار می‌کند.

ماده سوم (برنامه‌های تفریحی و مزاحیه باید طوری تنظیم نشوند که باعث تحقیر و توهین یک شخص گردد.)
تفسیر: این حکم طالبان با منشور ملل متحد، اعلامه حقوق بشر، اصول دین، قواعد سکولاریزم و اصول فرهنگ افغانی مطابقت دارد. هیچ‌جا دنیا مزاحیه و تفریحی را که باعث تحقیر و توهین دیگران شود، خوب نمی‌دانند. درین ماده نگفته است که حقارت و سبکی آدم‌ها را تصویر نکنید. آدم‌هایی که خودشان حقیراند در ویدیو و فلمی که می‌سازید حقارت‌شان آشکار می‌شود و این جرم نیست. شما نباید مردم سنگین را سبک کنید و نباید باوقارها را حقیر نشان دهید.

ماده چهارم (درامه‌هایی که در آن به شعایر دینی و کرامت انسانی توهین شده باشد، باید نشر نشوند.)
تفسیر: این حکم سکولار است. عیسی به دین خود، موسی به دین خود. به این که فلانی گاو را مقدس می‌داند، فلانی حجرالاسود را زیارت می‌کند، آن یکی عیسی را پسر خدا می‌داند، این یکی امام غایب دارد، کسی بت را می‌پرستد و کسی به هیچ چیز و کسی سر خم نمی‌نماید کاری نداشته باشید. شعایر دینی و کرامت انسانی باید توهین نشوند. بگذارید

هندو جسدش را بسوزاند، شیعه سینه‌زنی کند، سنی ال‌اهو سردهد، لائیک تماشا نماید. کرامت انسان مهم است و به هیچ بهانه‌ای نباید خدشه ببیند.

ماده پنجم (فلم‌ها و ویدیوهای که در آن عورت مردان آشکار باشد، نباید نشر شوند.)

تفسیر: چه نیازی به نشر عورت مردان است؟ چه دیدن دارد آن توت‌ه گوشت پرموی و کشال که مثل فیل مرغ یک خریطه سیاه هم زیر گردنش آویزان است؟ اگر تلویزیونی آنقدر بی‌مضمون باشد که از محدودیت نشر تصویر عورت مردان آسیب ببیند، بسته‌شدنش بهتر.

ماده ششم (زنان خبرنگار باید در تلویزیون حجاب اسلامی را رعایت کند.)

تفسیر: این ماده هم نشانه انعطاف دارد. حجاب اسلامی حکم عام است و فرصت انتخاب را می‌دهد. نگفته‌اند حجاب حقانی، اکوره ختکی، سلفی یا فلان فرقه را رعایت کنید. فرقه‌های اسلامی از ترکیه و تونس تا اندونیزیا، عربستان، مصر، ایران، افغانستان و پاکستان در حجاب اسلامی سلیقه‌های متنوع را آزموده‌اند. طالبان نیز به شما اجازه داده‌اند که طبق سلیقه خود یکی از حجاب‌های اسلامی را رعایت کنید.

ماده هفتم (درامه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی که در آن زن نقش تمثیل‌کننده داشته باشد، نشر نشود.)

تبصره: این بخش قابل تفسیر نیست. بخوانید و معنا نکنید. این ماده از همان احکام رم‌زدار است که فقط نویسنده‌اش می‌داند و به یقین معنای ظاهری‌اش گمراه‌کننده است. برای توضیح بیشتر، بدون آن‌که قصد مقایسه داشته باشیم به قرآن مجید مراجعه می‌کنیم. تأکید می‌کنم که دستور طالبان با دستور خداوند مقایسه کردنی نیست، اما برای درک مسأله اسلامی منبعی بهتر از قرآن نیست. در قرآن کریم سوره مبارکه بقره با این آیت شروع می‌شود: الم. معنای این کلمه گشودنی نیست و در هیچ امر انسانی از آن الگو نمی‌گیرند. آن آیت بخشی از دستور خداوند است ولی در شریعت از آن استفاده نمی‌شود یا بهتر است بگوئیم ذهن قاصر انسان قادر به استفاده از آن نیست. این ماده هفتم را هم شما بخوانید ولی معنا نکنید.

ماده هشتم (نشر سریال‌هایی که تمثیل انبیا و صحابه کرام در آن‌ها شده و شکل تصویری داشته باشد، مطلقاً منع است.)

تفسیر: نشر فلم‌های پیامبران و اصحاب بیش از آن‌که آموزنده باشد، خطرآفرین است. مولوی‌ها و علمای دین متوجه شده‌اند که اگر چندبار آدم‌های ناقص عصر ما در چهره پیامبران گرامی یا اصحاب کرام ظاهر شوند، کم‌کم مردم باور می‌کنند که پیامبران هم مثل خودشان بوده‌اند و اصحاب نیز نان و آب می‌خورده‌اند، ترس و امید داشته‌اند و حتی یگان وقت اشتباه می‌کرده‌اند. خودخواهی و تفرقه‌مسلمانان را خوب می‌دانید که در چه حد است. آن وقت هر ملا و مؤمنی که کمی پیشرفت کرد، در پی رابطه مستقیم با خداوند خواهد شد و هرکس فرقه و دینی را خلق خواهد کرد. در تاریخ اسلام کذابان بسیاری بوده‌اند که اعای پیامبری کرده‌اند. حال که یک کتاب و یک پیامبر داریم حال ما این‌طور است، اگر حرمت نشر چهره پیامبران و اصحاب شکسته شود باز چه کسی جمع‌تان خواهد کرد؟